نشریه علمی مطالعات راهبردی آمریکا

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

رابطه دیالکتیکی جنگ‌های «کثیف» و سیاست خارجی ایالات متحده در غرب آسیا (۲۰۰۱–۲۰۲۶)

چکیده:

ایالات متحده پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، الگوی عملیاتی «جنگ‌های کثیف»، شامل ترور هدفمند، عملیات فراقضایی و همکاری با دولت‌های ناقض حقوق بشر را که پیش از این در آمریکای جنوبی به صورت هدفمند پیگیری شده بود به‌عنوان یکی از اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی خود در غرب آسیا در پیش گرفت. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی مطالعه اسنادی به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که راهبرد جنگ‌های کثیف چگونه در سیاست خارجی ایالات متحده در غرب آسیا صورتبندی شده و تناقض‌ها و پیامدهای آن چگونه به بازتولید این سیاست انجامیده است؟ جامعه مورد مطالعه شامل ۷ سند امنیت ملی آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵، گزارش‌های منتخب کمیته اطلاعات سنا، نظرسنجی‌های مراکز معتبر افکارسنجی و گزارش‌های تحقیقی روزنامه‌نگاران شاخص دو جناح اصلی آمریکا است. یافته‌ها نشان می‌دهد جنگ‌های کثیف در اسناد امنیت ملی ایالات متحده با عناوینی مانند «بازدارندگی پیشدستانه» و «دفاع مشروع توسعه‌یافته» مشروعیت‌یابی شده‌اند، اما پذیرش عمومی آن‌ها در داخل کشور محدود بوده است. مقاله همچنین بر پایه رویکرد دیالکتیکی استدلال می‌کند که این جنگ‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت اهداف تاکتیکی را محقق می‌کنند اما در بلندمدت با فرسایش بنیان‌های هنجاری و نهادی، هزینه‌های راهبردی فزاینده‌ای ایجاد می‌کنند و این هزینه‌ها ناگزیر موجب بازتعریف توجیه، تغییر سازوکار اجرا و بازتولید یا دگرگونی ولو محدود این راهبرد می‌شود.

واژگان کلیدی: ایالات متحده، جنگ‌های کثیف، تروریسم دولتی، نقض حقوق بشر، غرب آسیا.

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

۱-مقدمه و بیان مساله:

«جنگ‌های کثیف»[۱] به‌عنوان بخشی از ادبیات مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل، به راهبردهایی اطلاق می‌شوند که در آن‌ها دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ به‌جای جنگ‌های کلاسیک، از ابزارهای غیرمتعارف همچون عملیات‌های پنهان و ترور هدفمند بهره می‌گیرند. مفهوم «جنگ کثیف در سیاست خارجی آمریکا به معنای به‌کارگیری شیوه‌های فراقضایی همچون ترور هدفمند، بازداشت بدون محاکمه، انتقال «فوق‌العاده مظنونان»[۲] و هم‌پیمانی با رژیم‌های ناقض حقوق بشر از جمله رژیم صهیونیستی است. این رویکرد پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از سوی دولت بوش گسترش چشمگیری یافت و با شعار «حفاظت از امنیت ملی آمریکا» توجیه شد. با این حال، پیامدهای افشاشده این اقدامات نشان می‌دهد که چنین روش‌هایی نه‌تنها مرزهای سنتی میان صلح و جنگ را مخدوش ساخته، بلکه بنیان‌های اخلاقی، هنجاری و حقوقی نظم بین‌الملل را نیز به چالش کشیده است. کاربست الگوی «جنگ‌های کثیف» در غرب آسیا شواهد روشنی از حملات پهپادی و موشکی در یمن، افغانستان، عراق و ترور دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی ایران با همکاری رژیم صهیونیستی و حتی طراحی عملیات‌های ترور رهبران حماس در کشورهای ثالث و دوست آمریکا همچون قطر دارد. مسئله‌ی اصلی در این پژوهش، فهم رابطه‌ی دیالکتیکی «جنگ‌های کثیف» و سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب قاره آسیا و پیامدهای این سیاستگذاری است. به بیان بهتر مقاله می‌کوشد نشان دهد که جنگ‌های کثیف افزون بر آنکه خروجی سیاست خارجی آمریکا شده‌اند همزمان شرایطی را می‌سازند که همان سیاست خارجی را قابل توجیه می‌کند و در عمل به یکی از سازوکارهای بازتولید آن بدل می‌شود. پرسش محوری این پژوهش ناظر بر این پرسش است که راهبرد جنگ‌های کثیف به‌مثابه اقدامی پیشدستانه علیه دشمنان آمریکا در غرب آسیا، چگونه در سیاست خارجی معاصر ایالات متحده صورتبندی و پیگیری می‌شود و این راهبرد چه دستاوردها و پیامدهایی برای این کشور دارد؟ اهمیت پردازش این پرسش و تولید ادبیات علمی در این حوزه از آن روست که پاسخ به آن نه‌تنها در تحلیل نظم بین‌الملل تعیین‌کننده است، بلکه برای کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران که هدف این جنگ‌ها قرار گرفته است اهمیت راهبردی دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر مباحث نظری پیرامون مفهوم «قدرت» و بهره‌گیری از شواهد

---

[۱] Dirty War
[۲] Extraordinary rendition

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

تاریخی و معاصر، می‌کوشد پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم جنگ‌های کثیف بر جایگاه ایالات متحده در غرب آسیا را بررسی کند.

۲- ادبیات پژوهش:

تیم وینر[۳] (۲۰۲۵) در کتاب «ماموریت سازمان سیا در قرن ۲۱»[۴]، مسیر تغییر ساختاری و فرهنگی در سازمان جاسوسی آمریکا را پس از ۱۱ سپتامبر را دنبال می‌کند. او نشان می‌دهد چگونه بخش‌هایی از سیا به نیرویی شبه‌نظامی تبدیل شده‌اند که در عملیات جنگ کثیف مانند شکنجه، بازداشت سری و ترور هدفمند مشارکت دارند. مایر[۵] (۲۰۰۸) نیز با رویکرد حقوقی– اخلاقی، ارتباط میان سیاست مبارزه با تروریسم و تخریب ارزش‌های بنیادین لیبرال آمریکایی را بررسی می‌کند. او پرونده‌هایی مانند اقدامات شکنجه، «زندان مخفی»[۶] و انتقال فوق‌العاده مظنونان را مستند کرده و نشان می‌دهد چگونه این اقدامات تحت عنوان مبارزه با تروریسم انجام شده‌اند. اسکاهیل[۷] (۲۰۱۳) در کتابی با عنوان «جنگ‌های کثیف»[۸] از طریق گزارش‌نگاری میدانی و مصاحبه با منابع مطلع، عملیات مخفی و ترورهای هدفمند در کشورهایی مانند یمن، سومالی و افغانستان را شرح می‌دهد. مازتی[۹] (۲۰۱۳) نیز فرآیند تغییر در ساختار و مأموریت‌های سیا را نقد می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این سازمان به نوعی ارتش مخفی تبدیل شده است. وایز و راس[۱۰] (۱۹۶۴) در کتاب «دولت نامرئی»[۱۱] نشان می‌دهند که ریشه‌های جنگ کثیف به پیش از دهه‌های اخیر بازمی‌گردد و بخشی از ساختار پنهانی سیاست خارجی آمریکا است. پیتر کورنبلو[۱۲] (۲۰۰۳) مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی شده درباره نقش آمریکا در کودتای شیلی و سرکوب پس از آن را ارائه می‌دهد. این منابع تاریخی کمک می‌کنند روابط مخفی میان دولت آمریکا با رژیم‌هایی که جنگ کثیف را اعمال کرده‌اند روشن شود و برای تحلیل تطبیقی بین‌المللی اهمیت دارد. بلوم[۱۳] (۱۹۹۵) در اثر خود مداخلات نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده را از منظر تاریخی و انتقادی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که عملیات پنهان، کودتا و

---

[۳] Tim Weiner
[۴] The mission: The CIA in the ۲۱st century
[۵] Jane Mayer
[۶] Black Sites
[۷] Jeremy Scahill
[۸] Dirty wars: The world is a battlefield
[۹] Mark Mazzetti
[۱۰] David Wise & Thomas B. Ross
[۱۱] The invisible government
[۱۲] Peter Kornbluh
[۱۳] William Blum

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

سرکوب نمونه‌هایی از جنگ کثیف بوده‌اند. جانسون[۱۴] (۲۰۰۴) با استناده به نظریه «بازتاب»[۱۵] پیامدهای ناخواسته سیاست خارجی، از جمله جنگ‌های کثیف را مورد تاکید قرار می‌دهد که می‌تواند امنیت ملی آمریکا را تهدید کند و یا به تعبیر وی «بذر فاجعه»[۱۶] را برای آینده سیاست خارجی آمریکا بکارد. نوآوری این پژوهش استناد به منابع دست اول نظیر اسناد امنیت ملی آمریکا و شواهد میدانی و گزارش‌های مستند از جنگ‌های کثیف آمریکا در غرب آسیا است که با روش‌شناسیِ مبتنی بر تحلیل اسنادی ارزیابی شده و امکان تحلیل نظام‌مند معضلات سیاست خارجی امریکا را در منطقه غرب آسیا فراهم آورده است. این رویکرد مستند می‌تواند به تولید دانش کاربردی برای سیاست‌گذاران ایرانی و بین‌المللی کمک کند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تحلیل کیفی اسنادی و رویکرد تفسیری پسارویدادی، به بررسی راهبرد «جنگ‌های کثیف» در سیاست خارجی ایالات متحده و پیامدهای آن برای جایگاه راهبردی این کشور در غرب آسیا می‌پردازد. در این پژوهش، تمرکز بر تفسیر نظام‌مند مضامین و استنتاج تحلیلی از متون است. پژوهش برای نیل به هدف، بررسی ۷ سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده و یک دستور موقت طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ ، گزارش‌های منتخب کمیته اطلاعات سنای آمریکا درباره برنامه‌های بازداشت، بازجویی و عملیات‌های برون‌مرزی؛ نتایج نظرسنجی‌های مراکز معتبر افکارسنجی آمریکا و گزارش‌های روزنامه‌نگاران تحقیقی منتشرشده در روزنامه‌های معتبر آمریکایی را در دستور کار داشته است که انتخاب این منابع بر اساس سه معیار برخورداری از اعتبار، قابلیت راستی‌آزمایی و دسترسی عمومی انجام شده است. تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام شد. در مرحله نخست، اسناد رسمی و گزارش‌های منتخب به‌صورت تفسیری گزینش و مطالعه شدند تا نحوه تبیین، توجیه و صورت‌بندی راهبرد جنگ‌های کثیف در منابع مختلف شناسایی شود. در مرحله دوم، روایت‌های ارائه‌شده در اسناد رسمی با یافته‌های گزارش‌های نظارتی، داده‌های افکار عمومی و گزارش‌های رسانه‌ای مقایسه شد تا نقاط همگرایی، واگرایی و شکاف‌های موجود میان بازنمایی رسمی و بازنمایی انتقادی این راهبرد مشخص شود و در مرحله سوم، یافته‌های حاصل از مجموعه منابع مختلف در قالب یک تحلیل تلفیقی صورت‌بندی شد

[۱۴] Chalmers Johnson
[۱۵] Blowback
[۱۶] Planting the Seeds of Future Disaster

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

و از طریق استدلال استنباطی، پیامدهای راهبردی این الگو برای مشروعیت بین‌المللی، روابط با متحدان، افکار عمومی داخلی و موقعیت منطقه‌ای ایالات متحده بر پایه الگوی steep [۱۷]در غرب آسیا تبیین شد. یافته‌های اولیه پژوهش به‌صورت متقابل با یکدیگر تطبیق داده شدند و تلاش شد از اتکا به یک منبع منفرد پرهیز شود. افزون بر این، فرایند تحلیل و استنباط‌ها در چند مرحله بازخوانی و با ادبیات نظری مرتبط تطبیق داده شد تا انسجام و سازگاری یافته‌ها افزایش یابد.

۴- چارچوب مفهومی: نسبت قدرت و خشونت در هژمونیسم و جنگ‌های کثیف

نسبت قدرت و خشونت در نظریه هژمونی، پیچیده و دوگانه است. به باور آنتونیو گرامشی، قدرتِ مسلط، ارزش‌های خود را از طریق نهادهای جامعه مدنی (مانند مدارس، رسانه‌ها و کلیساها) ترویج می‌دهد و دولت تنها در مواقعی که این رضایت حاصل نشود، به ابزارهای قهری (نیروی پلیس، ارتش و سیستم قضایی) متوسل می‌شود (Gramsci, ۱۹۷۱, ۱۲). بنابراین در وضعیت عادی، قدرت از طریق بسط هژمونی اعمال می‌شود تا از نیاز به خشونت آشکار جلوگیری کند. با این حال، این به معنای نفی کامل خشونت از ساختار هژمونیک نیست. نظریه‌پردازان پساگرامشی مانند ارنستو لاکلائو و شانتال موف بر این باورند که هر نظم اجتماعی، همواره بر پایه «طرد»[۱۸]و اعمال قدرت شکل می‌گیرد و بنابراین، به طور ذاتی سیاسی و مبتنی بر هژمونی است (Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱, xiv). از این منظر، آنچه به عنوان نظم طبیعی پذیرفته می‌شود، در واقع نتیجه «تثبیت» مناسبات قدرت خاص است که امکان‌های جایگزین را حذف کرده است. آنها همچنین تأکید می‌کنند که هر تثبیت معنا، همواره ناقص و گشوده است، زیرا وجود «امر بیرونیِ طردشده»[۱۹]همواره امکان به‌چالش‌کشیده شدن نظم موجود را فراهم می‌سازد (Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱, ۹۳). بنابراین، خشونت در اینجا نه فقط به عنوان زور فیزیکی، بلکه به عنوان خشونت ساختاری و نمادین درک می‌شود که در پس‌زمینه نظم مستقر، همواره به عنوان تهدیدی بالقوه برای برهم زدن آن حضور دارد. همانگونه که «هیندس»[۲۰] استدلال می‌کند، قدرت، صرفاً توانایی مادی نیست، بلکه سازوکاری برای اعمال اراده و الگویی خاص برای بازتولید سلطه است (هیندس، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

---

[۱۷] Social, Technological, Economic, Environmental, Political (STEEP)
[۱۸] Exclusion
[۱۹] The Constitutive Outsides
[۲۰] Barry Hindess

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

برخی دیگر نیز آن را توان تحمیل و «فرمان برگرداندن» دیگران تعریف می‌کنند (Marlin, ۲۰۰۲: ۱۵۵) هانا آرنت بر تمایز قدرت و خشونت تأکید دارد و نشان می‌دهد که قدرت واقعی در همبستگی و مشروعیت سیاسی نهفته است (Arendt, ۲۰۱۲) و لوکس نیز بر این باور است که خشونت فقط ابزاری اضطراری برای جبران کسری مشروعیت است (لوکس، ۱۳۷۵: ۴۲-۴۳). مطابق این مفاهیم نظری می‌توان گفت ترکیب قدرت و خشونت امروزه در قالب هژمونیسم ایالات متحده شکلی راهبردی یافته است و ایالات متحده برای تثبیت برتری جهانی خود از ترکیب «قدرت سخت» و «قدرت نرم» بهره می‌برد. از این رو به تدریج مفهوم «قدرت هوشمند» در سیاست خارجی آمریکا شکل گرفت که ترکیبی از اجبار سخت و جذابیت نرم برای هدایت و کنترل دیگران است (میلسن و همکاران، ۱۳۹۳). با این وجود برای درک بهتر خشونت در این چارچوب هوشمند نیز باید به رویکردهای انتقادی در علوم اجتماعی نیز توجه کرد. اسلاوی ژیژک (۲۰۰۸) در تحلیل خود از ایدئولوژی، به این نکته اشاره می‌کند که هژمونی همواره در مرز باریکی بین اقناع و اجبار، و بین نظم و خشونتِ بالقوه‌ای که آن نظم را به چالش می‌کشد، در نوسان است. ژیژک در کتاب «خشونت از شش منظر»[۲۱]، خشونت را به دو سطح اصلی «خشونت ذهنی»[۲۲] و کنش‌گرا که همان خشونت عریان و مستقیم است که در جنگ‌ها، اشغالگری و سرکوب نمود می‌یابد و «خشونت ساختاری»[۲۳] و پنهان که در بطن نظم سرمایه‌داری علیه مخالفان بازتولید می‌شود، تقسیم می‌کند. (Zizek, ۲۰۰۸:۱-۱۰) این نوع خشونت از ماهیت یک «نظم نمادین»[۲۴] و روابط ساختاری ناشی می‌شود و مفاهیمی چون «استضعاف»[۲۵]، و «ازخودبیگانگی»[۲۶]، را در بر می‌گیرد. (Zizek, ۱۹۸۹:۵۵). مطابق این دیدگاه، منطق خشونت آشکار و پنهان در دکترین «جنگ‌های کثیف» نیز به‌خوبی مشهود است. آمریکا در آمریکای لاتین از جمله در شیلی، آرژانتین و نیکاراگوئه با بهره‌گیری از خشونت مستقیم و نیابتی، همراه با توجیه ایدئولوژیک و بازتولید ساختارهای وابستگی، هژمونی خود را تثبیت کرد (Grandin, ۲۰۰۷). این الگو بعدها در غرب آسیا نیز در قالب خشونت آشکار و پنهان بازتولید و به‌ویژه در افغانستان و عراق، چرخه‌ای از خشونت متقابل و تروریسم پدید آورد. مقاله در ادامه بر مبنای این مفاهیم نظری می‌کوشد تا ضمن بررسی اسناد امنیت ملی آمریکا و

---

[۲۱] Six Sideways Reflections
[۲۲] Subjective Violence
[۲۳] Objective Violence
[۲۴] Symbolic Order
[۲۵] Subordination
[۲۶] Alienation

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

گزارش‌های معتبر مراکز رسانه‌ای و افکارسنجی در ایالات متحده، ابعاد و پیامدهای راهبرد جنگ‌های کثیف را در سیاست خارجی این کشور در منطقه غرب آسیا، ارزیابی کند.

۵- جنگ‌های کثیف در اسناد امینت ملی آمریکا

سند امنیت ملی آمریکا، مهم‌ترین سندی است که مباحث عرصه داخلی و بین‌المللی ایالات متحده در آن مورد تاکید است و این کشور که خود را دارای صلاحیت رهبری جهان می‌داند و به دنبال تضمین امنیت جهانی است (Nss, ۲۰۱۰: ۱). سند امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ تا کنون طی سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷، ۲۰۲۱ ، ۲۰۲۲ و ۲۰۲۵ منتشر شده است. از منظر تاریخی دولت بوش در راستای مقابله با تهدیدات تروریسم بعد از یازده سپتامبر جنگ پیش‌دستانه علیه افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد و به تعبیر دیگر سنگ بنای جنگ‌های کثیف را بدون استفاده از این مفهوم گذاشت. از دیدگاه ایالات‌متحده افراد و دولت‌های به گفته آنان «محور اهریمنی»[۲۷] به‌عنوان حامیان تروریسم، توسعه و تکثیر سلاح‌های کشتارجمعی باید دچار تغییر و تحول شوند. در این رابطه در مقدمه سند استراتژی ملی این‌گونه آمده است که دشمنان ما آشکارا اعلام نموده‌اند که به دنبال دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی هستند و شواهد نشان می‌دهد که آنان با عزمی راسخ مشغول انجام چنین کاری هستند ایالات‌متحده نمی‌گذارد که این تلاش‌ها قرین موفقیت گردد ما در مقابل موشک‌های بالستیک و دیگر ابزارهای پرتاب موشک تأسیسات دفاعی بنا خواهیم نمود. (Nss,۲۰۰۲) بنابر ادعای این اسناد، دولت‌های یاغی به قوانین بین‌المللی احترام نمی‌گذارند و در صورت در اختیار داشتن زمان کافی درصدد دستیابی به تسلیحات کشتارجمعی برمی‌آیند در حالی که رژیم‌های بین‌المللی منع اشاعه قادر به متوقف ساختن آن‌ها نیستند (Nss,۲۰۰۲: ۱۳-۱٤) «ریچارد هاس»[۲۸] از تحلیل‌گران نامی سیاست خارجی آمریکا نیز در همین زمان موضوع حذف یا برکناری رژیم‌های تهاجمی مزبور و جایگزینی آن با رژیم دیگری که در مقایسه با رژیم قبلی از ویژگی تهاجمی کمتری برخوردار باشد را مطرح می‌کرد (Hass, ۲۰۰۵: ۱). سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ مفصل‌تر از استراتژی امنیت ملی این کشور در سال ۲۰۰۲ و از گزاره‌های تهاجمی‌تری نظیر اقدام پیشدستانه و تجویز مداخله‌گرایی بهره‌مند بود. بر اساس آنچه در سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ قیدشده است، مبارزه علیه رادیکالیسم و تروریسم چالش و منازعه اصلی ایدئولوژیک سال‌های اولیه قرن ۲۱ محسوب می‌شود (Nss,۲۰۰٦: ۱٤). این سند تنها راه ایجاد صلح در جهان را بالا بردن آزادی‌های اساسی از طریق براندازی نظام‌های خودکامه، بالا بردن کارآمدی دمکراسی‌ها، تجارت آزاد

[۲۷] Axis of evil
[۲۸] Richard Haass

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

و سیاست‌های مبتنی بر توسعه توصیف می‌کند (Nss, ۲۰۰٦: ۱-۷, ۱۵, ۳۳, ۳۸). در بخشی از این سند اشاره شده بود با وجود انجام اقداماتی در مقابله با تهدیدات هنوز هم چالش‌های پیش روی آمریکا باقی‌مانده است؛ که از برنامه‌ی هسته‌ای ایران، زراد خانه کره شمالی، فعالیت تروریست‌ها و عدم امنیت تأسیسات و مواد هسته‌ای در برخی کشورها به‌عنوان این چالش‌ها یاد می‌کند. (Nss, ۲۰۰٦: ۱۹). در انتهای این قسمت به علل حمله آمریکا به عراق به بهانه در اختیار داشتن سلاح‌های کشتارجمعی اشاره‌شده است که: «ما هیچ شکی نداریم که با حذف این حکومت استبدادی خطرناک و غیرقابل‌پیش‌بینی، جهان به مکانی بهتر تبدیل‌شده است و هیچ شکی ندارم که اگر مستبدان بدانند با تعقیب تسلیحات کشتارجمعی، جان و بقای خود را در خطر قرار می‌دهند (Nss, ۲۰۰٦: ۲۴). مطابق سند امنیت ملی سال ۲۰۱۰، آمریکا خود را رهبر اصلی جهان معرفی می‌کند. آنچنان که در این سند آمده است آمریکا حفظ و تضمین امنیت را مغلوب ساختن القاعده و اعضای آن در افغانستان، پاکستان و سراسر جهان و مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتارجمعی می‌داند؛ (Nss, ۲۰۱۰)؛ در مقدمه سند ۲۰۱۰ در رابطه با تروریسم آمده است که اقدامات تروریستی به‌عنوان تهدیدی فوری نیازمند رویکردهای قدرتمند و پایدار برای دفاع از آمریکا است و با وجود تأکید بر اقتصاد (Nss,۲۰۱۰: ۲) بر تسلیحات کشتارجمعی و به‌خصوص تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر پیش روی مردم آمریکا و امنیت جهانی تأکید می‌ورزد. (Nss, ۲۰۱۰: ۱۱) ایجاد ایرانی مسئولیت‌پذیر؛ تقویت امنیت و بازسازی پس از مناقشات؛ ایجاد سیستم‌های امنیتی پایدار و مسئولیت‌پذیر در کشورهای در معرض خطر و جلوگیری از ظهور مناقشات جدید از جمله برنامه‌های مورد تاکید در این سند هستند. (Nss, ۲۰۱۰: ۲۵) در بخشی از سند سال ۲۰۱۵ آمده است: هیچ تهدیدی به‌اندازه استفاده بالقوه کشورهای مسئولیت نشناس یا تروریست‌ها از سلاح‌های هسته‌ای و مواد هسته‌ای برای امنیت و رفاه ما خطرناک‌تر نیست. درنتیجه، ما به دنبال صلح و امنیت جهان، بدون سلاح‌های هسته‌ای هستیم. مادامی‌که سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، آمریکا باید در منابع لازم برای حفظ یک بازدارندگی هسته‌ای امن، ایمن و مؤثر سرمایه‌گذاری کند. (Nss,۲۰۱۵: ۱۱).

ارزیابی اسناد امنیت ملی ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۷ (دوره ترامپ) ، ۲۰۲۱ (راهنمای موقت بایدن) و سند ۲۰۲۲ بایدن نیز همچنان به صورت تلویحی بازتاب‌دهنده دیدگاه رهبران آمریکا در قبال مشروعیت جنگ‌های کثیف هستند. این اسناد، در حالی که تهدیدات مشترک مانند تروریسم، رژیم‌های سرکش و رقابت‌های ژئوپلیتیک را برجسته می‌کنند، بر ضرورت صلح از طریق قدرت[۲۹] تأکید دارند و نقش نیروی نظامی را به عنوان ابزاری حیاتی برای حل مسائل جهانی توصیف می‌کنند. سند امنیت ملی ۲۰۱۷ ترامپ، با تاکید بر ضرورت «اقدام مستقیم»[۳۰] هشدار می‌دهد که بدون برتری نظامی، صلح پایدار ممکن نیست و آمریکا باید «نیروهای پیشرو»[۳۱] خود را بازسازی

[۲۹] Peace through strength
[۳۰] Direct action
[۳۱] Preeminent force

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

کند تا دشمنان را بازدارد یا در صورت لزوم، با آن‌ها درگیر شود. این سند حمله به داعش در سوریه و عراق را الگویی برای «کمپین‌های مداوم»[۳۲] می‌داند که بدون مداخله نظامی، تروریست‌ها به پناهگاه‌های امن بازمی‌گردند. در برابر ایران، فشار نظامی و اقتصادی برای مهار در مدیریت «فعالیت‌های مخرب»[۳۳] کشورهای سرکش توصیف می‌شود. این سند در سال ۲۰۲۵ نیز به صراحت می‌گوید که «صلح از طریق قدرت» و قدرت بهترین عامل بازدارنده برای امنیت ملی آمریکا است[۳۴]. (Nss, ۲۰۲۵: ۸) . در مجموع، روح حاکم بر این اسناد نشان‌دهنده تداوم صلح از طریق قدرت هستند، ضرورت مداخله نظامی برای حل مسائل، از مهار رژیم‌های سرکش تا مقابله با تروریسم، در همه این اسناد برجسته است، اگرچه همه این اسناد با تأکید بر اجتناب از جنگ‌های طولانی، به سمت بازدارندگی هوشمند با ابزار جنگ کثیف بدون اشاره مستقیم به این شیوه جنگی، حرکت کرده‌اند. البته پژوهش‌ها و گزارش‌ها نشان می‌دهند پیامدهای انسانی و سیاسیِ منفی این رویکرد بسیار گسترده بوده است Kelley, (۲۰۲۳) برای نمونه اقدامات آمریکا در روند اشغال عراق و برنامه‌هایی که برای دستگیری، بازداشت مخفی و بازجویی به ویژه در برنامه موسوم به «سپ»[۳۵] انجام شد (Paeth, ۲۰۰۸) را می‌توان جلوه‌هایی از اقدامات کثیف از سوی ایالات متحده برشمرد. تحلیل مضمون محتوای اسناد امنیت ملی آمریکا از سوی نگارنده با کمک ابزار هوش مصنوعی «دیپ سیک»، مهمترین کلید واژگانی پربسامد در اسناد امنیت ملی آمریکا را به شرح ذیل نشان می‌دهد:

جدول شماره یک: کلید واژگان پربسامد در اسناد امنیت ملی آمریکا (۲۰۰۲-۲۰۲۵)

سال	دوره	تخمین کل واژگان	واژگان کلیدی
۲۰۰۲	بوش	۱۳۰۰۰	آزادی، جنگ پیش‌دستانه، تروریسم، دولت‌های یاغی
۲۰۰۶	بوش	۱۸۸۰۰	آزادی، جنگ پیش‌دستانه، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی
۲۰۱۰	اوباما	۲۸۲۰۰	رهبری آمریکا، بازدارندگی، تهدیدات فراملی
۲۰۱۵	اوباما	۱۵۹۵۰	سلاح‌های هسته‌ای، صلح از طریق قدرت، بازدارندگی
۲۰۱۷	ترامپ	۲۵۴۰۰	اول آمریکا، رقابت قدرت‌های بزرگ، صلح از طریق قدرت
۲۰۲۲	بایدن	۲۴۰۰۰	دموکراسی، چین، رقابت، نظم مبتنی بر قوانین
۲۰۲۵	ترامپ	۹۵۰۰	قدرت، اول آمریکا، بازدارندگی، حاکمیت

[۳۲] sustained campaigns
[۳۳] malign activities
[۳۴] Strength is the best deterrent
[۳۵] SAP (Special Accesse Program)

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

Sources: Nss ۲۰۰۲,۲۰۰۶, ۲۰۱۰,۲۰۱۵,۲۰۱۷,۲۰۲۲,۲۰۲۵



نمودار شماره‌یک: اهداف جنگ‌های کثیف در اسناد امنیت ملی آمریکا

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- صورتبندی جنگ‌های کثیف در گزارش‌های دولتی و رسانه‌های آمریکایی:

تیم وینر به عنوان مشهورترین تاریخ‌نگار سازمان سیا، در فصل ششم کتاب خود با عنوان مستقل «جنگ‌های کثیف»، به گسترش عملیات سیا در سال‌های پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به‌ویژه در زمینه بازجویی‌های خشن، برنامه‌های پهپادی، و عملیات‌های ویژه در کشورهای مختلف می‌پردازد. وینر می‌نویسد: «سیا پس از ۱۱ سپتامبر به ماشینی برای جنگ‌های کثیف تبدیل شد» (Weiner: ۲۰۲۵:۳۹). به گفته وی یکی از

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

بحث‌برانگیزترین جنبه‌های عملیات سیا، ایجاد «سایت‌های سیاه»[۳۶] در کشورهای مختلف برای بازجویی از مظنونان تروریسم بود. این سایت‌ها، که در مکان‌هایی مانند تایلند، لهستان، و رومانی قرار داشتند، برای بازجویی‌هایی استفاده می‌شدند که شامل تکنیک‌هایی مانند «غرق مصنوعی»[۳۷] بود و سایت‌های سیاه و زندان‌های مخفی سیا، به نمادی از جنگ‌های کثیف تبدیل شدند» (Weiner: ۲۰۲۵:٤٠). سیا همچنین برنامه حملات پهپادی را به‌عنوان ابزاری کلیدی برای هدف قرار دادن رهبران القاعده و طالبان گسترش داد اما این حملات، اگرچه در حذف برخی اهداف کلیدی موفق بودند، اما به تلفات غیرنظامی قابل‌توجهی منجر شدند و اگر چه درون سیا، صداهایی وجود داشت که هشدار می‌دادند جنگ‌های کثیف آینده این سازمان را به خطر می‌اندازد اما رهبران آمریکا توجه چندانی به این موضوع نکردند و در شرایطی که «جهان از جنگ‌های کثیف سیا خشمگین بود این خشم به سیاست خارجی آمریکا ضربه زد» و «سیا با جنگ‌های کثیف خود، آتش‌هایی را برافروخت که خاموش کردنشان سال‌ها طول خواهد کشید» (Weiner: ۲۰۲۵:٤٣-٤٤). با این وجود مطابق گزارش‌های منابع داخلی آمریکا این قبیل جنگ‌ها، هزینه‌های انسانی، مالی و سیاسی سنگینی برای ایالات متحده در پی داشته است (Crawford, Lutz, & Savell, ۲۰۲۱). بر اساس گزارش پروژه هزینه‌های جنگ‌های آمریکا **در** دانشگاه «براون»[۳۸]، از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۲۱ بیش از ۷ هزار نیروی نظامی آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان کشته شدند و صدها هزار نفر دیگر با آسیب‌های جسمی و روانی طولانی‌مدت روبه‌رو هستند (Watson Institute, ۲۰۲۱). هزینه مراقبت از کهنه سربازان این جنگ‌ها تا سال ۲۰۵۰ بین ۲،۲ تا ۲،۵ تریلیون دلار برآورد شده است (Bilmes, ۲۰۲۱). و این در حالی است که آمار خودکشی در میان کهنه‌سربازان به‌طور چشمگیری افزایش یافته و در برخی مطالعات حتی چهار برابر بیشتر از تلفات میدانی برآورد شده است (Crawford et al., ۲۰۲۱). این روند نشان می‌دهد که جنگ‌های آمریکا در مجموع و اعم از ترورها یا جنگ‌های فراگیر در غرب آسیا، برخلاف ادعای رهبران، امنیت و رفاه نیروهای نظامی و شهروندان این کشور را به خطر انداخته‌اند و این شاخص را می‌توان برای افول ایالات متحده آمریکا در مقایسه با کشورهایی که درگیر این قبیل موضوعات نبوده‌اند مورد توجه قرار داد. شواهد نشان می‌دهد که تنها از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹، مجموع هزینه مستقیم جنگ‌ها، امنیت داخلی و مراقبت از سربازان بازگشته به بیش از ۶،۴ تریلیون دلار رسید (Brown University, ۲۰۱۹). و این بدهی عظیم باعث کاهش بودجه برای زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت در داخل آمریکا شد (Bilmes, ۲۰۲۱). در همین حال عملیات نظامی و مداخلات پنهانی آمریکا در جنگ‌های کثیف نیز موجی از بی‌اعتمادی و مقاومت در کشورهای هدف ایجاد کرده

[۳۶] Dark sites
[۳۷] waterboarding
[۳۸] Brown University

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

است که همه نمونه‌هایی از «بازگشت ضربه»[۳۹]هستند .(Crawford et al., ۲۰۲۱) این، اقدامات نظامی اعتبار اخلاقی و مشروعیت جهانی آمریکا را کاهش داده است و تداوم این وضعیت، قدرت نرم ایالات متحده را تضعیف و تلاش آن برای رهبری چندجانبه‌گرایانه را دشوارتر کرده است. نظرسنجی موسسه «پیو»[۴۰] در سال ۲۰۲۴ نشان داد که در کشورهای مورد بررسی، میانه دید مثبت به آمریکا ۵۴ درصد و میانه دید منفی ۳۱ درصد بوده است .(Pew Research Center, ۲۰۲٤) اما یک سال بعد، در نظرسنجی ژوئن ۲۰۲۵ و مقارن با جنگ امریکا علیه ایران، میانه دید مثبت به ۴۹ درصدکاهش یافت. (Pew Research Center, ۲۰۲۵) و در ادامه این روند در سال ۲۰۲۶ از سقوط چشمگیرتر آمریکا حکایت دارد به نحوی که میانه دید منفی به ۵۷ و میانه دید مثبت فقط ۳۷ درصد گزارش مشاهده شده است. (Pew Research Center, ۲۰۲٦) براساس داده‌های موسسه «گالوپ»[۴۱] ، تنها حدود ۳۹ درصد از شهروندان آمریکایی از موقعیت جهانی کشورشان رضایت دارند، در حالی‌که اکثریت (بیش از ۶۰ درصد) از موقعیت جهانی خود اعلام ناراضایتی کرده‌اند .(Gallup, ۲۰۲۵) همچنین، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها غالباً بر این باورند که تصویر کشورشان در سطح جهان منفی است .(Gallup, ۲۰۲۵) این امر بازتابی از تردید فزاینده نسبت به هزینه‌های عملیات خارجی است که پس از ۲۰۰۱ به راه افتادند و با ترور مقامات و رهبران ایران در سال ۲۰۲۶ به اوج خود رسید؛ مطابق یکی از گزارش‌های رسمی کمیته منتخب امور اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا، ترورهای برون مرزی آمریکا به‌عنوان رفتارهایی خارج از معیارهای حقوق بشری توصیف و مستندسازی شدند و آنگونه که بحث‌های کنگره‌ای نشان می‌دهد این اقدامات ایالات متحده آسیب‌های نهادی و قانونی ماندگاری را برجای گذاشته است. (Senate Select Committee on Intelligence, ۲۰۱٤) استفاده گسترده از عملیات ترور برون مرزی [۴۲] از همان سال مورد انتقاد جدی سازمان‌های حامی حقوق بشر قرار گرفته است و سازمان‌های حقوق بشری موارد قابل‌توجهی از تلفات غیرنظامی و فقدان شفافیت از سوی آمریکا را با توجیهِ امنیتی گزارش کرده‌اند. (WIRED, ۲۰۱۳). با توجه به شواهد، می‌توان گفت که جنگ‌های آمریکایی و به صورت مشخص جنگ‌های کثیف نه‌تنها دستاوردهای ادعاشده را محقق نکرده‌اند، بلکه هزینه‌های عظیم انسانی، مالی و حیثیتی بر آمریکا تحمیل کرده‌اند این در حالی است که دولت آمریکا همچنان بر افزایش بودجه نظامی خود تاکید کرده است. (Stone, ۲۰۲۵) . نمودار ذیل روند افزایشی بودجه نظامی آمریکا را نشان می‌دهد:

---

[۳۹] Blowback
[۴۰] Pew Research Center
[۴۱] *G*allup
[۴۲] Targeted killings/Drone Strikes

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

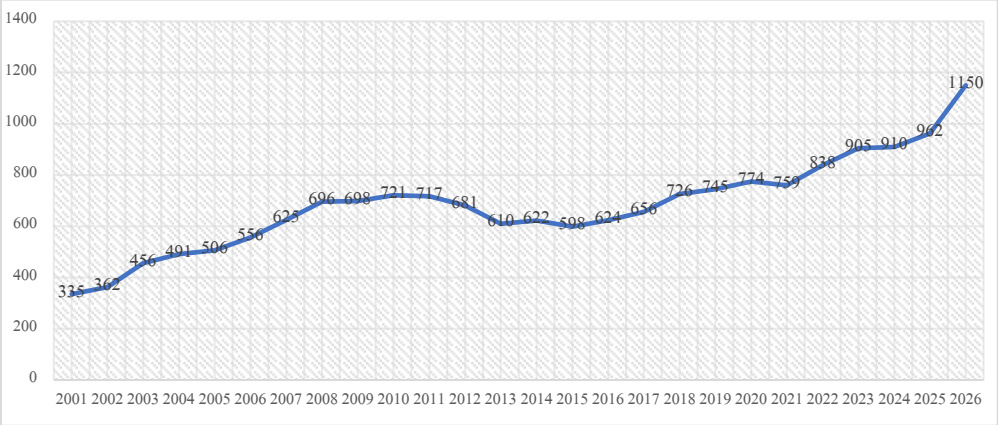

نمودار شماره ۲: بودجه نظامی آمریکا ۲۰۰۱-۲۰۲۶

Source: Office of Management and Budget (OMB), *Historical Tables*, Table ٥،١ (Function ٠٥٠: National Defense), FY٢٠٢٦ Budget; and Department of Defense, *National Defense Budget Estimates for FY 2027* (Green Book), Table ٢-١.

بخش قابل توجهی از انتقادها در آمریکا به جنگ‌های کثیف به موضوع همکاری ایالات متحده با رژیم صهیونیستی برای ترور هدفمند رهبران و مقامات علمی و نظامی ایران اختصاص دارد. هر چند بررسی گزارش‌های خبری مرتبط با پوشش خبری این جنگ نیز استفاده مستقیم از واژه جنگ کثیف را نشان نمی‌دهد اما مضامین مرتبط با برخی گزارش‌ها این مفهوم را با واژگان مرتبط دیگر بازنمایی کرده است. بر اساس نظرسنجی مشترک رویترز/ایپسوس که در ژوئن ۲۰۲۶ انجام شد، تنها ۲۴ درصد از آمریکایی‌ها معتقد بودند که این جنگ ارزش هزینه‌هایش را داشته است، در حالی که بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان صراحتاً آن را «ارزشمند» ندانستند (Reuters, ٢٠٢٦). این وضعیت تا انجا ادامه یافت که نهاد قانونگذاری آمریکا نیز با تکیه بر اختیارات خود در قانون اساسی، بارها به صراحت این جنگ را زیر سؤال برد و برای پایان دادن به آن اقدام کرد به نحوی که قطعنامه‌ای در مجلس نمایندگان با رأی ۲۱۲ به ۲۱۲ (و با رأی موافق ۳ جمهوری‌خواه) تصویب شد (Office of the Clerk, U.S. House of Representatives, ٢٠٢٦) و سپس در سنا با رأی ۵۰ به ۴۸ به تصویب رسید که در آن چهار سناتور جمهوری‌خواه به دموکرات‌ها پیوستند. (Bernama, ٢٠٢٦). رسانه‌های آمریکایی در گزارش‌های متعدد خود به جنبه‌های غیرقانونی و تلفات غیرنظامیان آمریکا نیز پرداخته‌اند که از آن جمله گزارش ۵ و ۹ مارس و ۸ ژولای ۲۰۲۶ نیویورک تایمز نشان می‌داد موشک‌های آمریکایی چگونه مدرسه دخترانه در میناب را هدف گرفته است

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

(New York Times,۲۰۲٦a,b,c) بر اساس گزارشی از «مرکز تحقیقات کنگره»[۴۳]و رسانه‌های آمریکایی، هزینه رسمی جنگ تا ماه مه ۲۰۲۶ حدود ۲۹ میلیارد دلار بوده است که البته این رقم شامل خسارت به پایگاه‌های آمریکا نمی‌شود (SABA, ۲۰۲٦) . مجموعه شواهد از منابع رسمی و معتبر آمریکایی نشان می‌دهد که جنگ کثیف آمریکا علیه ایران نه تنها از حمایت افکار عمومی برخوردار نبوده، بلکه همگی حاکی از هزینه‌های سرسام‌آور است که مشروعیت این اقدام را به شدت زیر سؤال برده است.

۷- تحلیل دیالکتیکی پیامدهای جنگ‌های کثیف آمریکا بر پایه مدل STEEP

تحلیل دیالکتیکی پیامدهای راهبرد جنگ کثیف بر پایه آموزه‌های مدل استیپ در گام نخست مستلزم شناسایی «نیروهای پیشران»[۴۴] در ابعاد اجتماعی[۴۵]، فناوری،[۴۶] اقتصادی[۴۷]، زیست‌محیطی[۴۸]و سیاسی[۴۹] است. از منظر «اجتماعی» به نظر می‌رسد عواملی نظیر افزایش حساسیت افکار عمومی جهانی نسبت به نقض حقوق بشر؛ رشد شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های افشاگر؛ تقویت جنبش‌های ضدجنگ و صلح‌طلبانه در آمریکا و جهان؛ فشار افکار عمومی داخلی برای شفافیت سیاست‌های امنیتی را می‌توان مهمترین پیامدهای منفی برای هژمونی آمریکا تلقی کرد. ازمنظر فناورانه می‌توان به توسعه فناوری‌های ردیابی و افشاگری‌های ماهواره‌ای و رشد منابع «داده باز»[۵۰] در کشورهای رقیب آمریکا به ویژه چین و روسیه و ایران و همچنین پیشرفت فناوری پهپادها در سراسر جهان و سامانه‌های حملات هدفمند از جمله در کشورهای مخالف هژمونی آمریکا و افزایش نقاط آسیب‌پذیر این کشور در برابر مخالفان اشاره کرد. از منظر اقتصادی، هزینه‌های مستقیم عملیات مخفی و جنگ‌های کثیف به مراتب بیش از گذشته شده است. از منظر زیست‌محیطی با وجود انکه حوزه محیط زیست در این سناریو فرعی فرض می‌شود اما آسیب‌های جانبی آمریکا به محیط زیست در عملیات خارجی از جمله حملات به سایت‌های هسته‌ای را نمی‌توان نادیده گرفت. و سرانجام از دیدگاه سیاسی، تضعیف مشروعیت بین‌المللی آمریکا، واکنش منفی متحدان اروپایی و ناتو به سیاست‌های فرا قضایی و افزایش رقابت ژئوپلیتیکی چین و روسیه با امریکا از عواملی هستند که شرایط را برای این کشور در مقایسه با گذشته دشوارتر کرده است. در مجموع و از منظر دیالکتیکی «جنگ‌های کثیف»

---

[۴۳] Congressional Research Service
[۴۴] Driving Forces
[۴۵] Social
[۴۶] Technological
[۴۷] Economic
[۴۸] Environmental
[۴۹] Political
[۵۰] Open-source intelligence (OSINT)

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

آمریکا عامل مخرب برای سیاست خارجی این کشور است و افزایش عملیات مخفی و ترورها که نرخ تلفات غیرنظامیان را بالا می‌برد، موجب گسترش روایت‌های ضدّ آمریکایی و رادیکال‌سازی بخشی از جوانان غرب آسیا می‌شود؛ این «بازخورد منفی» در مطالعات تاریخی و تحلیلی نشان داده شده است و می‌تواند به پدید آمدن شبکه‌های محلی ضدنفوذ بینجامد (Grier, ۲۰۲۱; The Bureau of Investigative Journalism, n.d.). افزایش دخالت‌های مخفی همچنین اعتماد نخبگان مدنی و ظرفیت‌های میانجی‌گری محلی را تضعیف می‌کند و فضای سیاسی داخلیِ کشورهای هدف را به سوی تقابل اجتماعی سوق می‌دهد (Breen, ۲۰۱۷). کاربرد پهپادهای مسلح، شناسایی بیومتریک و تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های بزرگ هر چند امروزه امکان هدف‌گیری دقیق‌تر را فراهم می‌آورد اما خطاهای شناسایی و بهره‌برداری تبلیغاتی مخالفان باعث می‌شود که فناوری به‌جای کاهش هزینه‌های ایالات متحده، عامل تشدید بحران‌های اجتماعی و حقوق بشری علیه این کشور شود (The Bureau of Investigative Journalism, n.d.; Reuters, ۲۰۲۵). افزون بر این، وابستگی به فناوری‌های پیچیده نظامی اکوسیستم حکمرانی جهانی و محلی را تغییر می‌دهد و می‌توان انتظار داشت اطلاعات به شکل جدیدی تولید و نگهداری شود که این روند بر خلاف انتظار آمریکا از توسعه زیرساخت‌های شبکه جهانی اینترنت برای ایجاد سیطره جهانی خواهد بود. جنگ‌های کثیف همچنین هزینه‌های پنهان گسترده‌ای تولید می‌کنند و پرداخت به پیمانکاران خصوصی، هزینه‌های پشتیبانی سری و تضعیف سرمایه‌گذاری و گردشگری در مناطق بی‌ثبات همه مجموعاً بار مالی و ساختاری ایجاد می‌کنند که فراتر از بودجه‌های رسمی نظامی است. افزایش سهم پیمانکاران خصوصی در عملیات‌های مخفی نه‌فقط هزینه‌ها را بالا می‌برد، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی بازیگران غیردولتی را تقویت می‌کند و ظرفیت پاسخ‌پذیری و نظارت را تضعیف می‌سازد (Picard & Goodman, ۲۰۲۲). حملات هوایی و زیرساختی و نیز تخریب عمده تاسیسات حیاتی (آب، برق، تسهیلات بهداشتی) پیامدهای بلندمدت سلامت عمومی، کشاورزی و مهاجرت اجباری ایجاد می‌کنند و این صدمات خود محرک نارضایتی اجتماعی است و فضای بی‌ثباتی را تشدید می‌کند (Conflict & Environment Observatory [CEOBS], ۲۰۲٤; Lawfare, ۲۰۲۳). از منظر سیاسی و هژمونیک هنگامی که جذابیت‌های آمریکا فرو می‌ریزد در روند دیالکتیکی فشار برای توسل به ابزارهای هزینه‌زا افزایش خواهد یافت و چرخه کاهش قدرت نرم در نهایت توان هژمونیک آمریکا را فرسایش می‌دهد و فرصت‌هایی برای رقبای منطقه‌ای و بازسازیِ ترتیبات چندقطبی فراهم می‌سازد(Grier, ۲۰۲۱; Costs of War Project, n.d.) در مجموع ارزیابی روابط متقابل به‌صورت شبکه‌ای نشان می‌دهد که اثرات منفی به‌صورت دیالکتیک تقویت می‌شوند و به این ترتیب، هژمونی آمریکا نه به دلیل شکست نظامی، بلکه بر اثر ترکیب تدریجی از فرسایش مشروعیت، فشار اقتصادی و بحران اجتماعی تضعیف می‌شود(Grier, ۲۰۲۱; Nye, ۲۰۰٤) . جدول ذیل برخی شواهد مرتبط با جنگ‌های کثیف از سوی امریکا را در دو دهه گذشته نشان می‌دهد:

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

جدول شماره سه: جنگ‌های کثیف آمریکا در غرب آسیا (۲۰۰۱-۲۰۲۶)

رویداد	نوع عملیات	پیامدهای سیاسی و اجتماعی
ایران جنگ ۱۲ روزه	ترور فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ایران در هنگام مذاکره هسته‌ای	ایجاد انسجام ساختاری علیه آمریکا در ایران و تعمیق بی‌اعتمادی بخش‌هایی از جامعه ایرانی به آمریکا
ایران جنگ رمضان	عملیات نظامی هنگام مذاکرات هسته‌ای+ ترور خانوادگی رهبری+ حمایت از شورش‌های دی ماه ۱۴۰۴و حمله به مدارس و مناطق غیرنظامی ایران	تضعیف اعتبار اخلاقی آمریکا در افکار عمومی ایران و تعمیق دشمنی شیعیان جهان با آمریکا
افغانستان	عملیات پهپادی و عملیات پیمانکاران امنیتی برای ترور و حذف مخالفان آمریکا	سقوط مشروعیت دولت هم‌پیمان آمریکا در افغانستان و قدرت گیری مجدد طالبان
عراق	عملیات مخفی ترور سردار قاسم سلیمانی و حذف مخالفان آمریکا در عراق و حمایت تسلیحاتی از برخی شبه‌نظامیان کرد و عراقی	گسترش گروه‌های ضدآمریکایی و بی‌ثباتی اجتماعی ظهور داعش در عراق
یمن	حملات موشکی و پهپادی هدفمند برای ترور رهبران یمن شمالی	کاهش قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا و ایجاد چرخه‌های انتقام در یمن و عربستان
سوریه	مشارکت در ترور عماد مغنیه و حذف مخالفان آمریکا در سوریه + حمایت تسلیحاتی از برخی شبه‌نظامیان	گسترش گروه‌های ضدآمریکایی و بی‌ثباتی اجتماعی ظهور داعش در سوریه

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

نمودارذیل شبکه اثرات متقابل جنگ‌های کثیف آمریکا را در غرب آسیا نشان می‌دهد. نشانگرهای (+) اثر مثبت و نشانگرهای (–) بیانگر اثر منفی هستند.

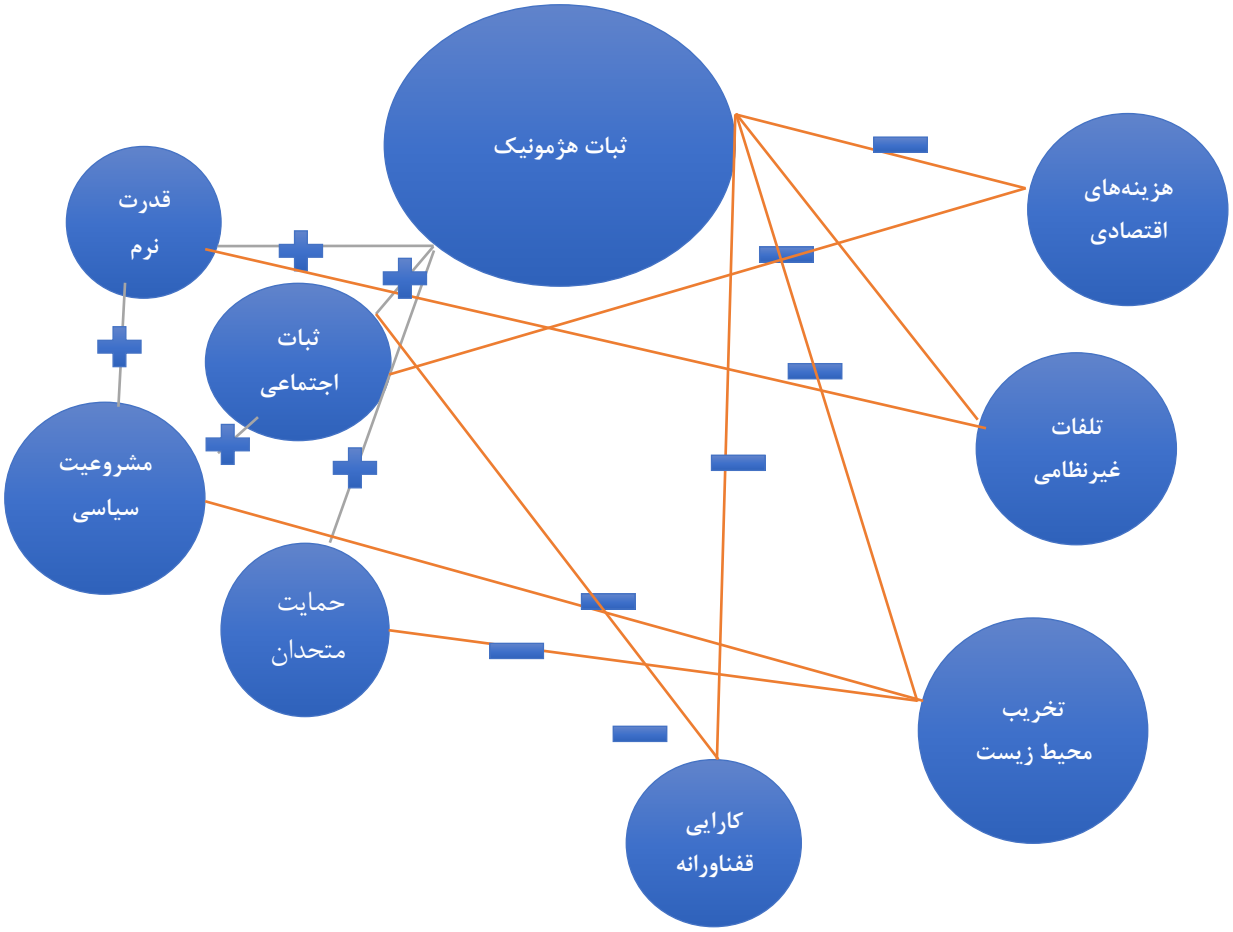

نمودار شماره سه: شبکه اثرات متقابل جنگ‌های کثیف آمریکا

منبع: یافته‌های پژوهش

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

۸-نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که تداوم الگوی «جنگ‌های کثیف» در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در غرب آسیا، هرچند در کوتاه‌مدت بازدارندگی محدودی در برابر آنچه این کشور «تهدیدات فراملی» می‌نامد ایجاد کرده است، اما از منظر دیالکتیکی به یک پارادوکس ساختاری در نظام امنیت ملی آمریکا انجامیده است. جنگ‌های کثیف که مصادیق آن در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۶ از جمله شامل ترور رهبری عالی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرجعیت دینی بخشی از شیعیان جهان، ترور دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان عالی جمهوری اسلامی ایران و نیز ترور رهبران جبهه مقاومت در لبنان و عراق بوده است هر چند از منظر برخی رهبران آمریکا اقدامی ضروری برای اثبات هژمونی ایالات متحده بوده است اما مقاله نشان داد همگی این اقدامات فقط موجب نوعی امنیت موقت و مصنوعی بوده‌اند. به بیان بهتر جنگ‌های کثیف آمریکا که مبتنی بر حذف فیزیکی مخالفان هستند، از سویی تهدیدات فوری را برای آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن پدید می‌آورد و از سوی دیگر زمینه انتقام‌جویی و فرسایش تدریجی سرمایه هژمونیک ایالات متحده را فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش، مبتنی بر تحلیل اسناد امنیت ملی، گزارش‌های کنگره، منابع خبری و افکارسنجی‌های مؤسسات آمریکایی، نشان داد که تداوم این رویکرد تهاجمی پیامدهایی چندسطحی و متناقض دارد. برایند نهایی این پیامدها کاهش اعتماد متحدان سنتی، افزایش هزینه‌های همکاری‌های امنیتی، تشدید فشارهای حقوق بشری در نهادهای بین‌المللی، و گسترش گفتمان‌های ضدآمریکایی در غرب آسیا و سایر مناطق جهان است و در نتیجه، قدرت نرم و نفوذ گفتمانی آمریکا در نظام بین‌الملل به‌شدت فرسوده می‌شود. بر این اساس و از منظر تحلیل دیالکتیکی، هیچ عامل منفردی مسئول فرسایش هژمونی آمریکا نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از روابط متقابل منفی، آینده محتمل امنیت ملی آمریکا را بر پایه تداوم راهبرد جنگ‌های کثیف در دو مسیر اصلی قابل تصور کرده است؛ نخست، سناریوی «امنیت موقت با مشروعیت پایین» که در آن بازدارندگی نظامی حفظ می‌شود اما فرسایش هژمونیک شتاب می‌گیرد؛ و دوم، سناریوی «فرسایش دوگانه» که هم امنیت و هم مشروعیت آمریکا را به‌طور هم‌زمان تضعیف می‌کند. در هر دو حالت، نتیجه نهایی کاهش نقش رهبری ایالات متحده در نظم جهانی و تقویت روندهای چندقطبی خواهد بود. بدین‌ترتیب، رابطه دیالکتیکی میان جنگ‌های کثیف و سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا را می‌توان در قالب یک چرخه بازتولیدشونده صورت‌بندی کرد که اقدام خشونت‌آمیز برای تأمین امنیت کوتاه‌مدت، مشروعیت را فرسایش می‌دهد؛ فرسایش مشروعیت، هزینه و محدودیت‌های سیاست خارجی را افزایش می‌دهد و این محدودیت‌ها، دولت را به بازتولید همان منطق خشونت‌آمیز سوق می‌دهد.

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

References

Arendt, H. (۱۹۷۰). *On violence*. Harcourt, Brace & World.

Bernama. (۲۰۲۶, June ۲٤). US Senate passes measure challenging Trump's authority on Iran conflict. https://bernama.com/misc/rss/news.php/news.php//?id=۲۵۷۲۳۵۳

Bilmes, L. J. (۲۰۲۱, August ۱۸). *The long-term costs of United States care for veterans of the Afghanistan and Iraq wars.* Costs of War Project, Watson Institute, Brown University. https://watson.brown.edu/costsofwar/files/cow/imce/papers/۲۰۲۱/Costs%۲۰of%۲۰War_Bilmes_Long-Term%۲۰Costs%۲۰of%۲۰Care%۲۰for%۲۰Vets_Aug%۲۰۲۰۲۱.pdf

Blum, W. (۱۹۹۵). *Killing hope: U.S. military and CIA interventions since World War II* (Rev. ed.). Zed Books.

Breen, J. G. (۲۰۱۷). *Covert action and unintended consequences.* The Simons Center. https://thesimonscenter.org/wp-content/uploads/۲۰۱۷/۰۸/IAJ-۸-۳-۲۰۱۷-pg۱۰٦-۱۲۲.pdf

Brown University. (۲۰۱۹, November ۱۳). *The cost of the global war on terror: $6.4 trillion and 801,000 lives.* Watson Institute for International and Public Affairs. https://www.brown.edu/news/۲۰۱۹-۱۱-۱۳/costsofwar

Comptroller of the Department of Defense. (۲۰۲٥). *FY 2026 budget request overview book.* https://comptroller.defense.gov/Portals/٤٥/Documents/defbudget/FY۲۰۲٦/FY۲۰۲٦_Budget_Request_Overview_Book.pdf

Conflict & Environment Observatory (CEOBS). (۲۰۲٤). *The environmental costs of the escalating Middle East crisis.* https://ceobs.org/the-environmental-costs-of-the-escalating-middle-east-crisis/

Congress.gov. (۲۰۲٦a). H. Con. Res. ۷٥ - Directing the President, pursuant to section ٥(c) of the War Powers Resolution, to remove the United States Armed Forces from hostilities against the Islamic Republic of Iran. ۱۱۹th Congress. https://www.congress.gov/۱۱۹/bills/hconres۷٥/BILLS-۱۱۹hconres۷٥ih.htm

Congress.gov. (۲۰۲٦b). S. J. Res. ۱۲۳ - To direct the removal of United States Armed Forces from hostilities within or against the Islamic Republic of Iran that have not been authorized by Congress. ۱۱۹th Congress. https://www.congress.gov/۱۱۹/bills/sjres۱۲۳/BILLS-۱۱۹sjres۱۲۳is.htm

Costs of War Project, Watson Institute, Brown University. (۲۰۱۹, November ۱۳). *The cost of the global war on terror: $6.4 trillion and 801,000 lives.* https://www.brown.edu/news/۲۰۱۹-۱۱-۱۳/costsofwar

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

Costs of War Project, Watson Institute, Brown University. (۲۰۲۱, September ۱). *The costs of the 20-year war on terror: $8 trillion and 900,000 deaths.* Brown University. https://www.brown.edu/news/۲۰۲۱-۰۹-۰۱/costsofwar

Crawford, N. C., Lutz, C., & Savell, S. (۲۰۲۱). *The costs of the 20-year war on terror: $8 trillion and ۹۰۰,۰۰۰ deaths.* Costs of War Project, Brown University. https://watson.brown.edu/costsofwar

Gallup. (۲۰۲۵). *U.S. position in the world (historical trends / satisfaction measures).* Gallup News. https://news.gallup.com/poll/۱۱٦۳۵۰/position-world.aspx

Gordon, T. J., & Helmer, O. (۱۹٦٦). *Report on a long-range forecasting study.* RAND Corporation.

Gramsci, A. (۱۹۷۱). Selections from the prison notebooks (Q. Hoare & G. N. Smith, Eds. & Trans.). International Publishers

Grandin, G. (۲۰۰۷). *Empire's workshop: Latin America, the United States, and the rise of the new imperialism.* Metropolitan Books.

Grier, K. B. (۲۰۲۱). *Blowback: The consequences of CIA-sponsored regime change.* SSRN. https://papers.ssrn.com/sol۳/papers.cfm?abstract_id=۳۸۰٤۸۸۵

Hass, R. (۲۰۰۵). Regime change and its limits. *Foreign Affairs, 84*(٤), ٦٦–۷۸.

Hindess, B. (۲۰۰۱). Discourses of power: From Hobbes to Foucault. (M. Younesi, Trans.). Tehran: Shirazeh Publications. [In Persian]

Reuters (۲۰۲٦, June ۲۳). Few in US say Iran war was worth it; Trump approval ties lowest of term, Reuters/Ipsos poll finds. https://www.reuters.com/۳fec۱b۰a۸۵a۰/world/middle-east/few-us-say-iran-war-was-worth-it-trump-approval-ties-lowest-term-reutersipsos-۲۰۲٦-۰٦-۲۳/

Johnson, C. (۲۰۰٤). *Blowback: The costs and consequences of American empire* (Updated ed.). Holt & Co.

Kelley, R. E. (۲۰۲۳). *Twenty years ago in Iraq, ignoring the expert weapons inspectors proved to be a fatal mistake.* Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). https://www.sipri.org/commentary/essay/۲۰۲۳/twenty-years-ago-iraq-ignoring-expert-weapons-inspectors-proved-be-fatal-mistake

Kornbluh, P. (Ed.). (۲۰۰۳). *The Pinochet file: A declassified dossier on atrocity and accountability.* The New Press.

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

Laclau, E., & Mouffe, C. (۲۰۰۱). Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics (۲nd ed.). Verso books.

Lawfare. (۲۰۲۳). Halpern, O. *Perhaps lawful, but awful: The environmental impacts of armed conflict.* Lawfare. https://www.lawfaremedia.org/article/perhaps-lawful-but-awful-the-environmental-impacts-of-the-israel-hamas-war

Lukes, S. (۲۰۱٤). Power: A radical view. (E. Afroogh, Trans.). Tehran: Rasa Publications. [In Persian]

Mayer, J. (۲۰۰۸). *The dark side: The inside story of how the war on terror turned into a war on American ideals.* Doubleday.

Mazzetti, M. (۲۰۱۳). *The way of the knife: The CIA, a secret army, and a war at the ends of the earth.* Penguin Press.

National Security Strategy. (۲۰۰۲, September). *The White House*. https://georgewbush-whitehouse.archives.gov/nsc/nss/۲۰۰۲/nss.pdf

National Security Strategy. (۲۰۰٦, March). *OSD Historical Office*. https://history.defense.gov/Portals/۷۰/Documents/nss/nss۲۰۰٦.pdf

National Security Strategy. (۲۰۱۰, May). *Obama White House*. https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/rss_viewer/national_security_strategy.pdf

National Security Strategy. (۲۰۱٥, February). *Obama White House*. https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/docs/۲۰۱٥_national_security_strategy_۲.pdf

National Security Strategy. (۲۰۱۷, December). *Trump White House*. https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/۲۰۱۷/۱۲/NSS-Final-۱۲-۱۸-۲۰۱۷-۰۹۰٥.pdf

National Security Strategy. (۲۰۲۱, March). *Interim national security strategic guidance*. Biden-Harris Administration. https://bidenwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/۲۰۲۱/۰۳/NSC-۱v۲.pdf

National Security Strategy. (۲۰۲۲, October). *Biden-Harris Administration*. https://bidenwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/۲۰۲۲/۱۰/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-۱۰,۲۰۲۲.pdf

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

National Security Strategy. (۲۰۲۵, December). *The White House*. https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/۲۰۲۵/۱۲/۲۰۲۵-National-Security-Strategy.pdf

Nye, J. S., Jr. (۲۰۰٤). The decline of America's soft power. *Foreign Affairs, 83*(۳), ۱٦–۲۰. https://www.foreignaffairs.com/articles/۲۰۰٤-۰۵-۰۱/decline-americas-soft-power

Office of the Clerk, U.S. House of Representatives. (۲۰۲٦, May ۱٤). Roll Call ۱۷۰ - Bill Number: H. Con. Res. ۷۵. https://clerk.house.gov/Votes/۲۰۲٦۱۷۰?Page=۲

Paeth, S. R. (۲۰۰۸). "Dirty hands" revisited: Morality, torture, and Abu Ghraib. *Journal of the Society of Christian Ethics, 28*(۱), ۱٦۳–۱۸۱. http://www.jstor.org/stable/۲۳۵٦۲۸٤۰

Parmar, I., & Cox, M. (۲۰۱۱). Soft power and US foreign policy. (A. Tayeb, Trans.). Tehran: Institute for Strategic Studies Publications. [In Persian]

Pew Research Center. (۲۰۲٤, June ۱۱). *Views of the U.S. (global survey of 34 countries).* https://www.pewresearch.org/global/۲۰۲٤/۰٦/۱۱/views-of-the-u-s/

Pew Research Center. (۲۰۲۵, June ۱۱). *Views of the United States (24-country analysis).* https://www.pewresearch.org/global/۲۰۲۵/۰٦/۱۱/views-of-the-united-states/

Pew Research Center. (۲۰۲٦, June ۲۳). ۳٦-country survey finds declining ratings for the U.S. amid rising concerns about its foreign policy and the health of its democracy. https://www.pewresearch.org/global/۲۰۲٦/۰٦/۲۳/trump-gets-negative-reviews-internationally-as-fewer-say-u-s-is-a-reliable-partner/

Picard, M., & Goodman, C. (۲۰۲۲). *Hidden costs: US private military and security companies and the risks of corruption and conflict.* Transparency International Defence & Security. https://ti-defence.org/publications/hidden-costs-us-private-military-and-security-companies-and-the-risks-of-corruption-and-conflict/

Marlin, R (۲۰۰۲). *Propaganda and the ethics of persuasion.* Broadview Press.

Reuters. (۲۰۲۵, February ۱۱). *Drones become most common cause of death for civilians in Ukraine war, UN says.* https://www.reuters.com/world/europe/drones-become-most-common-cause-death-civilians-ukraine-war-un-says-۲۰۲۵-۰۲-۱۱/

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

SABA. (۲۰۲۶, May ۱۶). Congressional research: US military lost ۴۲ aircraft and drones in war against Iran. Yemen News Agency. https://www.saba.ye/en/print۳۷۰۶۱۱۴.htm

Scahill, J. (۲۰۱۳). *Dirty wars: The world is a battlefield.* Nation Books.

Senate Select Committee on Intelligence. (۲۰۱۴). *Committee study of the Central Intelligence Agency's detention and interrogation program: Executive summary (declassified).* United States Senate. https://irp.fas.org/congress/۲۰۱۴_rpt/ssci-rdi-min.pdf

Stone, M. (۲۰۲۵, June ۲۶). *Trump wants more drones and missiles, fewer F-35s in $893 billion budget request.* Reuters. https://www.reuters.com/business/aerospace-defense/trump-wants-more-drones-missiles-fewer-f-۳۵s-۸۹۳-billion-budget-request-۲۰۲۵-۰۶-۲۶/

The Bureau of Investigative Journalism. (n.d.). *Drone warfare.* https://www.thebureauinvestigates.com/projects/drone-war

The Jerusalem Post. (۲۰۲۶, July ۴). Most Americans say war with Iran was not worth it, FT poll reveals. http://fr.jpost.com/american-politics/article-۹۰۱۴۸۹

The New York Times. (۲۰۲۶a, March ۵). *Analysis suggests school was hit amid U.S. strikes on Iranian naval base*. https://www.nytimes.com/۲۰۲۶/۰۳/۰۵/world/middleeast/iran-school-us-strikes-naval-base.html

The New York Times. (۲۰۲۶b, March ۹). *Video captures apparent strike near boys' school in Iran*. https://www.nytimes.com/۲۰۲۶/۰۳/۰۹/world/middleeast/iran-video-explosion-boys-school.html

The New York Times. (۲۰۲۶c, July ۸). What U.S. restrictions on satellite imagery mean for Iran reporting. https://www.nytimes.com/۲۰۲۶/۰۷/۰۸/insider/iran-war-satellite-image-restrictions.htm

U.S. Senate Armed Services Committee. (۲۰۲۵). *Fiscal year 2026 National Defense Authorization Act: Executive summary.* https://www.armed-services.senate.gov/imo/media/doc/fy۲۰۲۶_ndaa_executive_summary.pdf

Watson Institute. (۲۰۲۱). *U.S. military, veterans, contractors & allies: Human costs of post-9/11 wars.* Brown University. https://costsofwar.watson.brown.edu

Weiner, T. (۲۰۲۵). *The mission: The CIA in the 21st century.* Knopf.

White House. (۲۰۲۲). *National Security Strategy of the United States.* White House.

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

WIRED. (۲۰۱۳, October ۲۲). *Rights groups say some U.S. drone strikes may be war crimes.* https://www.wired.com/۲۰۱۳/۱۰/drone-reports/

Wise, D., & Ross, T. B. (۱۹٦٤). *The invisible government.* Random House.

Zizek, S. (۱۹۸۹). The Sublime object of Ideology, Verso Books.

Zizek, S. (۲۰۰۸). Violence: Six sideways reflections, Picador.

نشریه علمی مطالعات راهبردی آمریکا

نسخه غیررسمی
قبل از انتشار نهایی

The Dialectical Relationship Between "Dirty Wars" and U.S. Foreign Policy in West Asia (۲۰۰۱–۲۰۲۶)

Abstract:

Following the September ۱۱, ۲۰۰۱ attacks, the United States institutionalized a strategy commonly described as "dirty wars" as a central component of its foreign policy in West Asia. This strategy relied on targeted killings, extrajudicial operations, and cooperation with governments accused of serious human rights violations, while extending operational practices previously employed in South America. Employing a qualitative documentary research design, this study asks how the dirty wars strategy has been articulated in U.S. foreign policy toward West Asia and how its internal contradictions have contributed to its persistence and adaptation over time. The analysis draws on U.S. national security documents issued between ۲۰۰۲ and ۲۰۲۵, selected reports of the Senate Select Committee on Intelligence, public opinion surveys conducted by credible polling organizations through ۲۰۲۶, and investigative reporting from leading journalists across the U.S. political spectrum. The findings demonstrate that dirty wars have been legitimized through national security discourses emphasizing preemptive deterrence and expanded self-defense, despite only limited domestic public support. Drawing on a dialectical approach, the article argues that while dirty wars may generate short-term tactical gains, they simultaneously erode the normative and institutional foundations on which they depend, producing long-term strategic costs. These contradictions necessitate continual revision of both the justificatory discourse and the mechanisms of implementation, thereby enabling the strategy to persist through adaptation rather than fundamental transformation.